

بازتاب مضامین قرآن و حدیث در شهنامه شرر اثری تازه یافته از سده دوازدهم

حمیدرضا دهقانی پور^۱

احمدرضا یلمه‌ها^۲

چکیده

تأثیر قرآن و حدیث بر زبان و ادب فارسی از ابتدای ورود اسلام به ایران آغاز شده و شعرا از گنجینهٔ پرفیض قرآن و حدیث بهره‌ها برده‌اند. یکی از منظومه‌هایی که تحت تأثیر قرآن و حدیث قرار گرفته است، مثنوی شهنامه از شاعری گمنام متخلص به شرر است. دربارهٔ سراینده همین قدر می‌دانیم که او بخارایی بوده و به هند مهاجرت کرده است. شهنامهٔ وی دربارهٔ جنگ‌های محمدشاه است. این اثر که در قرن دوازدهم کتابت شده، در کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی قم به شمارهٔ ۲۶۱۲ نگهداری می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز سبکی اثر، اشارهٔ فراوان سراینده به آیات قرآنی است. سراینده با هنر خود از این آیات به روش‌های مختلف بهره برده است؛ از جمله اثرپذیری واژگانی یعنی تضمین کلمات و عبارات قرآنی در شعر در قالب وام‌گیری و ترجمه و نیز برابری آرای این آیات نشان می‌دهد که شاعر در مثنوی دینی-حماسی خویش بیش از هر چیز به آیاتی توجه داشته است که در آنها به روایتی از داستانهای زندگی پیامبران اشاره شده است. هدف اصلی در این پژوهش تأثیر قرآن و حدیث بر «شهنامهٔ شرر» است. پس از اشاره‌ای به احوال شاعر، به شیوه‌های استفادهٔ وی از قرآن و حدیث پرداخته شده است. این پژوهش نشان‌دهندهٔ تأثیر منظومهٔ مذکور از قرآن و حدیث است. شیوهٔ غالب اثرپذیری او اثرپذیری واژگانی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، اثرپذیری، شهنامه شرر.

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ | DOI: 10.29252/PAQ.8.3.51

۱- نویسندهٔ مسئول: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی. dehghanipoor@yahoo.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. Ayalameha@gmail.com

۱- مقدمه

کلام وحی و احادیث شریف در طول سده‌های پیشین تاکنون به گونه‌های مختلف بر زندگی مسلمانان اثر گذاشته است و دین‌باوران در سخنان رهگشای خویش و مردم بویژه نویسندگان و شاعران در آثار خود از آن تأثیر پذیرفته‌اند؛ به صورتی که کمتر نویسنده به‌خصوص شاعری را می‌توان یافت که از آبخور زلال قرآن و حدیث متأثر نباشد؛ که این خود علاوه بر رویکرد به جنبه‌های هدایتی این چشمه‌ساران پر فیض، گویای هنر گوینده در نحوه به‌کارگیری این سخنان تعالی‌بخش در بیان اهداف و القای معانی مورد نظر است. تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی در سده‌های سوم و چهارم قمری اندک بود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۵) و بتدریج در سده‌های هفتم و هشتم بیشتر شد.

۱-۱- روش تحقیق

در این پژوهش موارد تأثیر پذیری اشعار این شاعر از قرآن کریم استخراج شد و در ادامه طرح تحقیق طبق شیوه‌ارایه شده در کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی» از دکتر محمد راستگو پی‌ریزی شد که در این کتاب تأثیرپذیری به صورت اثرپذیری الف. واژگانی ب. گزاره‌ای ج. گزارشی د. الهامی - بنیادی ه. تلمیحی و. تصویری و ... تقسیم‌بندی شده است که از این میان، آنهایی که بسامد بیشتری داشتند استخراج، طبقه‌بندی و ارایه شد.

۱-۲- پیشینه

پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد پژوهشگران فراوانی به موضوع تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی پرداخته‌اند از جمله می‌توان به کتاب «در قلمرو آفتاب (مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی)» از علی‌محمد مؤذنی و «در دلو آفتاب (گفتاری در تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی)» از حسن جعفری تبار و «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» نوشته علی‌اصغر حلبی، «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» نیز به مقالاتی با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در دیوان مولانا حسن کاشی آملی» از رحمان ذبیحی و «تجلی قرآن کریم در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی» نوشته علی جهان‌شاهی افشار و «نقد رویکردهای مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی» از محسن ذوالفقاری و «کلام پروردگار

در غزلیات خداوندگار مولانا (نگرشی بر تجلی قرآن در غزلیات شمس) از حسن حیدری اشاره کرد؛ اما در خصوص تجلی قرآن و حدیث در «شهنامه شرر» تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. از جمله شاعرانی که اشعارش تحت تأثیر قرآن و حدیث بوده، شاعر گمنامی است که تاریخ تولد و وفات او را نمی‌دانیم فقط با توجه به ابیات تخلص چند غزل - که در همین مثنوی وجود دارد - معلوم می‌شود که تخلصش «شرر»، وطنش بخارا است و به اجبار آواره هندوستان گردیده. با توجه به چند بیت دیگر هم معلوم می‌شود که نام این مثنوی «شهنامه» و در باره جنگ‌های محمدشاه هندی است. منظومه شهنامه در سده دوازدهم سروده شده و به خط نستعلیق هندی است.

متن تحقیق

مردم ایران پس از استقبال از اسلام، از قرآن و حدیث در جنبه‌های مختلف زندگی خود استفاده کردند. سروده‌های شعرا هم به آیات قرآن و احادیث مزین شد و این آراستگی به قرآن و حدیث رو به فزونی نهاد «به حدی که در حوزه تاریخ ادبیات ایران نمی‌توان اثری را نام برد که از قرآن و حدیث تأثیر نپذیرفته باشد» (جهان‌شاهی افشار، ۱۳۹۵: ۲).

برای چگونگی کاربرد آیات و احادیث و تقسیم‌بندی آن‌ها روش‌های گوناگونی وجود دارد که در این پژوهش تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از سید محمد راستگوست که در اثر مذکور، تأثیرپذیری از قرآن و حدیث به یازده شیوه تقسیم شده است اما در این پژوهش به دلیل این که مثال‌هایی برای شش مورد آخر یافت نشد فقط اثرپذیری در پنج مورد اول بررسی شد. در پژوهش حاضر، اشکال گوناگون تأثیرپذیری «شرر» از قرآن و حدیث بررسی و شواهد مربوط استخراج و طبقه‌بندی شده است.

معرفی اجمالی شرر

«شرر» شاعری گمنام است که نامش در هیچ تذکره‌ای نیامده است، تنها اثر شناخته شده از او «شهنامه» است که هشت هزار و یکصد و پنجاه و شش بیت دارد. از ابیات تخلص چند غزل که در همین مثنوی وجود دارد معلوم می‌شود که تخلصش «شرر» است و وطنش بخارا است و به اجبار آواره

هندوستان گردیده است؛ نام این مثنوی «شهنامه» است و در باره جنگ‌های محمدشاه هندی است. منظومه شهنامه در سده دوازدهم سروده شده و دستنوس آن در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم نگهداری می‌شود و به خط نستعلیق هندی است. تحمیدیّه منظومه شهنامه مطابق معمول بیشتر آثار ادبی، با حمد خداوند و نعت نبی اکرم همراه است و اشارات قرآنی فراوانی در آن وجود دارد درباره تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. در روزگار محمدشاه هندی می‌زیسته و در شعرش به سبک هندی است و از آیات قرآن استفاده کرده است. از ویژگی‌های مهم شعرش می‌توان به استفاده بسیار از آرایه تلمیح و تشبیه اشاره کرد.

۲- انواع بهره‌گیری «شُرر» از قرآن و حدیث

۲-۱- اثرپذیری واژگانی

در این شیوه شاعر واژه‌ها و ترکیباتی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند. اثرپذیری واژگانی به سه گونه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی تقسیم شده است (ر.ک: راستگو، ۱۳۸۰: ۱۵).

اثرپذیری واژگانی با ۷۱٪ در بین پنج نوع اثرپذیری مورد پژوهش در این تحقیق بیشترین تأثیر را دارد (ر.ک: نمودار ۲)

الف، وام‌گیری

در این شیوه واژه یا ترکیب قرآنی یا حدیثی عیناً یا با کمی تغییر وارد زبان فارسی می‌شود. شرر از روش وام‌گیری ۷۵٪ درصد استفاده کرده است (ر.ک: نمودار ۴) مثلاً در ابیات:

قسمها که در حضرتت خورده‌ایم به غفّاریت ای غفور الرّحیم

(نسخه خطی: ۳۲۴)

به هر جا که باشی خدا یار توست غفور الرّحیم و نگهدار توست

(۲۴۱)

دل من ز دست تو داغ قدیم به غفاریت ای غفور الرحیم

(۲۴۸)

واژه «غفار» سه بار در قرآن آمده است مثلاً: رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (ص: ۶۶).
واژه‌های «غفور» و «الغفور» جمعاً شصت و سه بار در قرآن به کار رفته‌اند مثلاً: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ
الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ (بقره/۱۷۳).

واژه «الرحیم» سی و چهار بار در قرآن وجود دارد مثلاً: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (حمد: ۱).

به گلزار من آب وحدت ببار ز فیض تو گردد همیشه بهار

(۲۴۸)

«وحده» شش بار در قرآن آمده است مثلاً: قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَآتِنَا
بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (اعراف: ۷۰)

که یارب مرا ساز از آن و از این تویی خالق آسمان و زمین

(۲۸۷)

«خالق» هفت بار در قرآن آمده است مثلاً:

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (انعام: ۱۰۲).

شنید این سخن آن دُر بحر نور روان گشت آن دم چو موسی به طور

(۳۰۲)

«فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا
لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ». (قصص: ۲۹)

به بیت‌الحرم برد روح‌الامین براق سبکرو ز خلد برین

(۲۵۲)

که از لامکان تا به بیت‌الحرام بگو هر که باشد بگوید سلام

(۲۵۲) / نیز ر.ک: (۲۵۳:۳۶۳).

هر چهار بیت بالا یادآور «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُبِّيَّةَ أَلْبَيْتَ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَائِدَ ذَلِكَ لِنَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مائده: ۹۷) هستند.

که تا سدره‌المنتهی جبرئیل نمود آنچه بود از کثیر و قلیل

(۲۵۳)

«رَأَهُ نَزَلَهُ أُخْرَى (* عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (*).» (نجم: ۱۴-۱۳)

پری بلکه حوران جنت‌سرشت چه اورنگ‌آباد، رشک بهشت

(۱۹۹)

چه دیوان بهشت عذار زمین هزاران به هر گوشه‌اش حور عین

(۳۹۹)

وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (واقعه: ۲۳-۲۲)

به کف جام‌ها خیل غلمان و حور رخ هریکی شمع فانوس نور

(۴۱۹) / نیز ر.ک: (۱۸۰:۲۷۷)

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (الرحمن: ۷۲)

به اطراف تابوت لاریب و شک ز فردوس غلمان، ملک از فلک

(۴۲۰)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (طور: ۲۴)

به دربار او نیست نقش سجود میرا بود از قیام و قعود

(۲۵۰)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ

كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا (نسا: ۱۰۳)

به رویش قسم می‌خورد والضحّا که واللّیل مویش شب قدر ما

(۲۵۱)

والضحی واللّیلِ إِذَا سَجَى (والضحی: ۲-۱)

شفیع گنه‌کار روز جزا حبیب خدا خاتم‌الانبیا

(۲۵۱)

اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (السجده: ۴)

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا
۰ (احزاب: ۴۰)

تجلی از او آتش طور را صفا بخش آیینۀ نور را

(۲۵۱)

*وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ إِلَى الْجَبَلِ
فَإِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ
سُبْحَانَكَ ثُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (اعراف: ۱۴۳)

کریم است یک نامت ای بی‌مثال تویی بینش ما علی‌کل‌حال

(۳۲۴)

گلش برده از ابر رحمت نسیم کفایت کند بندگی را کریم

(۲۶۸)

ز بس کرد یادش به خلق عظیم به فرقان خدای کریم الرّحیم

(۲۵۱)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (القلم: ۴)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (الفرقان: ۱)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (واقعه: ۷۷)

فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ عُفُورٌ رَحِيمٌ (بقره: ۱۹۲)

هزاران درود و هزاران سلام به آن شاه لولاکی خیرالانام

(۲۵۱)

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ (بحار الأنوار: ۱۵:۲۸)

بیا ساقی قاب قوسین بزم بده ساغری از می صاف عزم

(۲۵۳)

گذشت از سر عرش و خود عین شد گل گلشن قاب قوسین شد

(۲۵۳)

شد از قاب قوسین نزدیک‌تر به مضمون ادنی رسول بشر

(۲۵۳)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (نجم: ۳۵)

شبی لیل‌القدر داغ از دلش شبی روز قربانیان بسملش

(۲۵۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (قدر: ۱)

به درگاه آن قادر لم یزل مناجات کردم به رسم غزل

(۲۵۳)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ

فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (اسرى: ۹۹)

الهی ز گرد ره احمدی فشان یر سرم گوهر سرمدی

(۲۵۳)

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (صف: ۶)

بیا ساقی بزم کوثر اثر ز جام می و آب شیر و شکر

(۲۵۴)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (کوثر: ۱)

علی مظهر جود و بحر کرم علی صاحب‌السیف نون و القلم

(۲۵۵)

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم: ۱)

از او تازه‌رو گلشن مصطفی از او پرگهر معدن لافتی

(۲۵۵)

«لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۰: ۸)

به هر جا که باشد خدا یار او حفیظ خطابخش غمخوار او

(۲۴۲)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
حَفِيظٌ (سبا: ۲۱)

پر تیر او از پر جبرئیل روان زخمها چشمه سلسبیل

(۲۴۴)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (انسان: ۱۸)

خرامان به هر سو چو طاووس مست پر از باده نشئه‌بخش الست

(۲۴۷)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى
شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف: ۱۷۲)

سپه‌تاب شمشیردم آگهی بود سایه تیغ یداللهی

(۲۶۳)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۱۰)

گران‌شیرکردار برزو اساس به کفار و فجار حق‌ناشناس

(۲۷۰)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (انفطار: ۱۴)

اگر عاقلی این سخن هوش دار توکل خوش آید به پروردگار

(۲۷۲)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (شعرا: ۲۱۷)

به قوس جهان دگر سایه‌اش چو رفر رفیع‌المکان پایه‌اش

(۴۱۰)

بود بر سر چرخ کیوان قرار چو رفر غبار دمش نوربار

(۲۹۱)

مُتَكِينٍ عَلَىٰ رُفْرَفٍ خُضِرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (الرحمن: ۷۶)

یکی گفت هنگام شور غزا به وقتی‌که از فتح و نصرت لوا

(۳۷۸)

که ناگاه آمد یکی صبحگاه پس از فتح و نصرت به اقبال شاه

(۳۷۴)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (سجده: ۲۹)

نمودی مه و مهر لشکر علم همه سوره فتح در وی رقم

(۲۵۸)

به طَبَال، شه خلعت خاص داد رقم سوره فتح و اخلاص داد

(۳۶۵)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (فتح: ۲۸)

سیه‌یال او زلف حور بهشت به او سوره فتح شد سرنوشت

(۲۹۳)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (فتح: ۱)

که چون بیت معمور بر آسمان به هنگام طوفان نوح از جهان

(۲۹۵)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (طور: ۴)

به بسم‌الله مصحف عشق پاک به شمشیر آه دل دردناک

(۳۲۴)

به بسم‌الله مصحف و حسن یار به خط غبار و بیاض عذار

(۳۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (حمد: ۱)

پس از عذر پیر ملایک جمال به تکرار گفتمی که ای ذوالجلال

(۳۷۶)

فتاده همی گفت ای ذوالجلال به خون چون دل داغ صاحب‌خیال

(۳۱۶)

وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (الرحمن: ۲۷)

شدی گرم بازار دکا دکا که ازبهر کالای صفا صفا

(۳۱۶)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (فجر: ۲۱)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر: ۲۲)

عیان گشت آن روز حشر صغیر / ز هر سو دمیدند صور نفیر

(۳۱۶)

يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (ق: ۴۴)

مگر صوت او نفخه صور بود / عیان گشت چیزی که مسطور بود

(۳۵۱)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (مؤمنون: ۱۰۱)

تو پاکی به ناپاکی ما مگیر / که بسیاربخشی و اندک‌پذیر

(۳۵۵)

رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران: ۸)

که هر اشک آن قلّه سرفراز / بود همچو روز قیامت دراز

(۴۱۰)

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (ممتحنه: ۳)

به وقتی که حرفش نمی‌شد بلند / عزیزان پی ختم یاسین شدند

(۴۱۸)

یس (یس: ۱)

گهی در قیام و گهی در قعود / گهی در رکوع و گهی در سجود

(۱۹۹)

فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ

كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نسا: ۱۰۳)

ب، ترجمه

در این شیوه شاعر از ترجمه واژه یا ترکیب قرآنی یا حدیثی استفاده می‌کند. میزان استفاده شده در این منظومه ۱۰ درصد است (ر.ک: نمودار ۴) مثلاً در بیت:

اگر لطف عام تو یاری کند خزانم به گلشن بهاری کند

(۲۴۸)

لطف عام ترجمه «رحمن» است مثلاً: یَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (نبا: ۳۸)

به گردش فلک را نگاه‌دار اوست دُر بحر ما را خریدار اوست

(۲۴۹)

«نگه‌دار» ترجمه حفیظ است که شش بار در قرآن استفاده شده است مثلاً «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ» (هود: ۵۷)

گذشتن بود گر تمنای من شدم اخگر گلخن سوختن

(۲۵۳)

وَ عَنِ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ قَالَ قَالَ جِبْرَائِيلُ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ الرَّبِّ لَسَبْعِينَ حِجَابًا مِنْ نَارٍ أَوْ نُورٍ لَوْ رَأَيْتُ أَدْنَاهَا لَأَحْتَرَقْتُ (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۴۴: ۵۵).

که آنجا ز خلقت مرا مسکن است به آن سو کجا رخصت دیدن است

(۲۵۳)

که از حسن خلق نکوی رسول بود صبح شام سیاه بدی

(۲۵۴)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)

طلب ساز یاری ز فضل خدا به بیگانه‌معنی شوی آشنا

(۲۴۱)

نخواهیم غیر از تو یاری ز کس به ما ذرّهٔ التفات تو بس

(۳۵۵)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (حمد: ۵)

دعا کرد بعد از ادای نماز خدیو جهان را به عجز و نیاز

(۳۵۷)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف: ۵۵)

ج، برآیندسازی

در این شیوه واژه یا ترکیب در قرآن و حدیث نیامده اما برآیند واژه در بیت وجود دارد. در این منظومه از این اثرپذیری ۱۵ درصد استفاده شده است (ر.ک: نمودار ۴) مثلاً ابیات:

سراسر ز ما گرچه تقصیرهاست که نوید بودن ز لطف خطاست

(۳۲۴)

کلید در ناامیدی شکست ز روزی که نقش طلسمات بست

(۲۴۹)

يَا دَاوُودُ آيَةُ «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر: ۵۳)» است.

معلم به علم لدنی است آن از او تازه‌رو گلشن لامکان

(۲۵۱)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (كهف: ۶۵)

که امروز درمانده‌ام دست گیر ز پا رفتگان را تویی دستگیر

(۳۷۶)

چه می‌گفت می‌گفت: ای بی‌نیاز تویی دستگیر و تویی کارساز

(۳۵۶)

ز پا رفتگان را تویی دستگیر که افتادم از پا مرا دست گیر

(۳۱۶)

اللَّهُ الصَّمَدُ (اخلاص: ۲)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (يوسف: ۱۸)

چه دل بلبل گلشن لامکان چه دل ساحل قلزم کن فکان

(۲۵۵)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (یس: ۸۲)

چراغ ستم گرچه افروختن چو فانوس آخر ز خود سوختن

(۲۹۹)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (جاثیه: ۱۵)

ز گرمی در آن دشت گنداوران چو اهل قیامت به هر سو دوان

(۳۴۲)

يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنَ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (عبس: ۳۶-۳۴)

نمودند ارکان به‌نوعی که بود به روی همه باب رحمت گشود

(۳۵۸)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۱۰۷)

رخ خویش مالیده در خون و خاک همی گفت مخفی به یزدان پاک

(۳۷۶)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (نحل: ۷۵)

ز یک مصحف عشق این چارقل ز یک چارباغ‌اند این چار گل

(۲۵۴)

چارقل اشاره دارد به چهار سوره اخلاص، فلق، ناس و کافرون که همه آن‌ها با کلمه «قل» شروع می‌شوند. ۳. اثرپذیری گزاره‌ای:

این اثرپذیری دو نوع است اقتباس و حل. در این منظومه از این اثرپذیری فقط دو درصد استفاده شده است (ر.ک: نمودار ۲):

الف، اقتباس^۱ و تضمین

آوردن بخشی از عبارت قرآنی یا روایی بدون تغییر یا با تغییری اندک در سخن (جعفری تبار، ۱۳۸۸: ۳۷)

اگر او نمی‌بود در روزگار نه خورشید بود و نه لیل و نهار

(۲۵۲)

لَوْ لَأَكَّ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ (بحار الأنوار: ۱۵:۲۸)

ز خط عذار عرفناک او بود داغ من ابر نیسان من

(۲۵۰)

ما عرفناک حق معرفتک و ما عبدناک حق عبادتک

حریص^۲ علیکم^۳ بشیر^۴ امین^۵ کریم^۶ مکین^۷ متین^۸ مبین^۹

(۲۵۱)

«حریص علیکم» لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ

رَحِيمٌ (توبه: ۹)

به طغرای حکم ز هر سو نجیب که نصر^{۱۰} من الله و فتح قریب

(۲۴۷)

۱- اقتباس در لغت به معنی آتش گرفتن است (غیاث اللغات، ذیل اقتباس).

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (صف: ۱۳)

کز او هرچه باشد لطافت پذیر به امر علی کل شی قدیر

(۳۵۶)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران: ۱۸۹)

ب، حل (=تحلیل):

قرار گرفتن عبارت قرآنی یا روایی با تغییر در سخن (حلبی، ۱۳۷۲: ۵۳).

نقاب از رخ انبیاپی گشود ولی فخر او شوکت فقر بود

(۲۵۲)

الفقر فخری (احادیث مثنوی، بی تا: ۲۳)

به گلزار انا فتحناست گل بود کوی او کعبه جزو و کل

(۲۵۱)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (فتح: ۱)

دو نیم از دم تیغ انگشت او به میدان معجز مه مهررو

(۲۵۱)

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَشَقُّ الْقَمَرِ (القمر: ۱)

ضرور است نوشیدن از جام مرگ رهایی نداریم از دام مرگ

(۲۶۸)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (عنکبوت: ۵۷)

۴. اثرپذیری گزارشی:

در این منظومه از این اثرپذیری فقط دو درصد استفاده شده است (ر.ک: نمودار ۲)

گزارش مضمون آیه یا حدیث به دو شیوه ترجمه یا تفسیر است:

الف، ترجمه

ترجمه آیه یا حدیث به فارسی.

ز گرمی در آن دشت گنداوران چو اهل قیامت به هر سو دوان

(۳۴۲)

یادآور آیه «يَوْمَ يَغْرُ الْمَرْءُ مِنْ أُخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (عبس: ۳۴-۳۶)» است.

ب، تفسیر

شرح آیه یا حدیث:

به تعلیم مردوددیو رجیم به اسلام دشمن به مؤمن غنیم

(۳۲۳)

قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (ص: ۷۷)

۵. اثرپذیری الهامی-بنیادی: در این منظومه از این اثرپذیری فقط یک درصد استفاده شده است

(ر.ک: نمودار ۲)

در این شیوه گوینده مایه سخنش را از آیه یا حدیثی گرفته

به هر شیء بود از ابد تا ازل چو یاد خدا باد آن خوش‌مثل

(۲۵۱)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸)

۶. اثرپذیری تلمیحی:

تلمیح اشاره کردن به داستان، مثل، آیه و حدیث است (همایی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۸). در این منظومه از

این اثرپذیری فقط ۲۴ درصد استفاده شده است (ر.ک: نمودار ۲).

ز هفتادوسه قوم گرد آمدند همه خوانده او را درود آمدند

(۳۷۲)

این بیت اثر پذیرفته از حدیث پیامبر است: «به درستی که امت موسی بعد از موسی هفتاد و یک فرقه گردیدند که از آنها یک فرقه اهل نجاتند و هفتاد فرقه دیگر در دوزخند و امت حضرت عیسی بعد از عیسی به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند که یک فرقه آنها اهل نجات و هفتاد و یک فرقه آن در دوزخند و به درستی که امت من بعد از من زود باشد که بر هفتاد و سه فرقه تقسیم شوند که یک فرقه از آنها نجات یافته و هفتاد و دو فرقه آنها در دوزخند.»

تلمیحات به حضرت یوسف: (بیست مورد)

زلیخادا ساقی هرزه‌گرد حیا یوسف مصر صحرانورد

(۲۷۷)

به یعقوب داغ و زلیخای آه برآر از الم همچو یوسف ز چاه

(۳۲۴)

نیز ر.ک: (۲۹۷، ۲۴۰، ۲۶۱، ۲۹۸، ۳۵۴، ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۵۱، ۳۲۳)

تلمیح به خضر و الیاس (خضر هفت مورد و الیاس دو مورد از همین هفت مورد)

همه خضر و الیاس لیل و نهار که بودند از خوان او لقمه خوار

(۳۲۴)

تلمیح به نوح: (نه مورد)

جهانگرد طوفان نسیم صبح به هر موج صد جوش طوفان نوح

(۲۴۳)

چه شد حضرت نوح سامش چه شد کجا رفت جمشید و جامش چه شد

(۴۱۵)

تلمیح به آدم: (یک مورد)

شکفته دلش باغ باغ امید که آن سیب گویا ز جنت رسید

(۲۶۹)

تلمیح به موسی: (دو مورد)

شنید این سخن آن دُر بحر نور روان گشت آن دم چو موسی به طور

(۳۰۲)

تلمیح به فرعون: (یک مورد)

در آن روز چون قوم فرعونیان روان گشت از پی خدیو جهان

(۳۱۷)

تلمیح به داستان اصحاب فیل: (یک مورد)

ز اصحاب فیلند بدکارتر ز قوم هلاکو دل‌آزارتر

(۳۵۲)

ثمود و عاد (ثمود یک بار و عاد ده بار)

به‌نوعی روان لشکر باد شد بیابان همه وادی عاد شد

(۳۷۶)

در آن روز از کثرت گردباد به دفع ثمودی و اقوام عاد

(۳۷۶)

تلمیحات عیسی (چهار مورد)

هوا ز صفایش دم عیسوی نهالش همه معجز موسوی

(۱۹۹)

تلمیحات مربوط به حضرت سلیمان: (سی و هشت مورد)

چه ظلم است هم‌صحبتی‌ها به ریو نگین سلیمان به انگشت دیو

(۳۷۶)

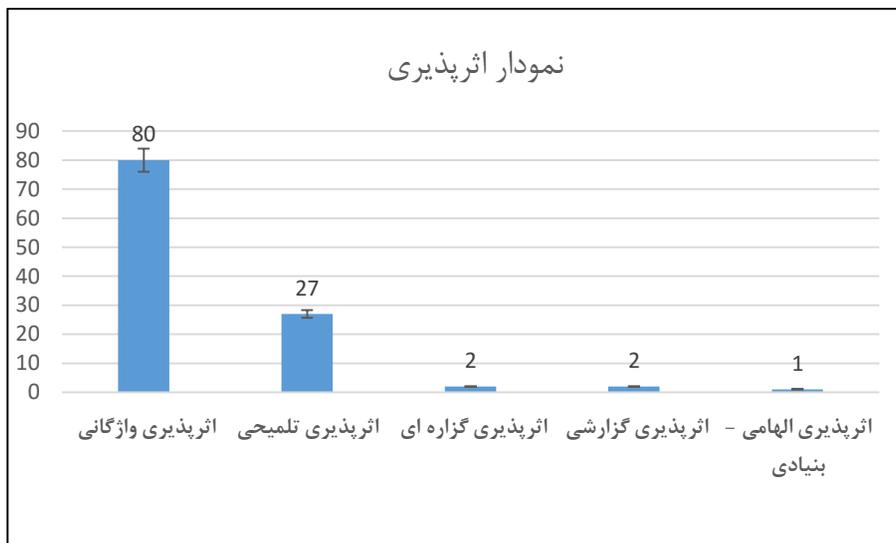
سخن نیست گر حکم یزدان شود نه هر دیو خواهد سلیمان شود

(۲۸۹) نیز ر.ک: (۲۸۹، ۲۴۱، ۳۳۶، ۳۴۲)

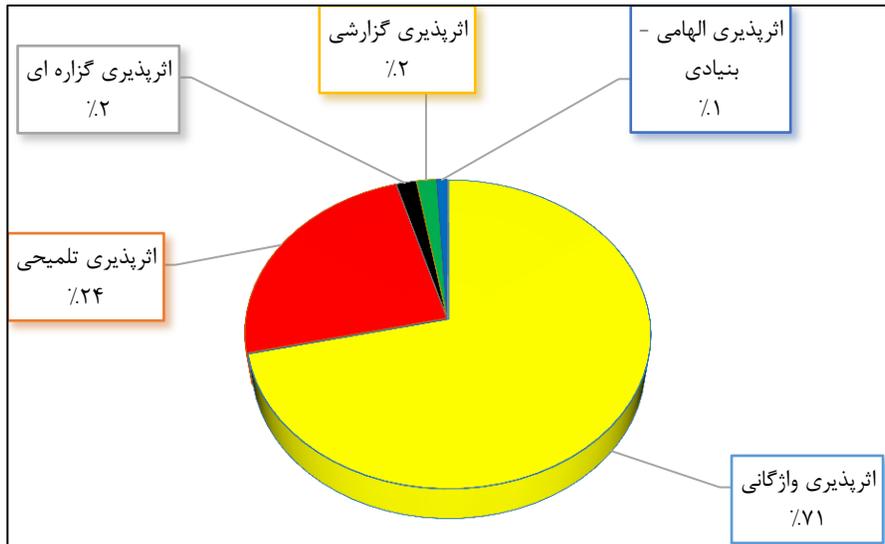
نتیجه

- ۱- از میان اثرپذیری‌های یازده‌گانه مذکور در کتاب تجلی قران و حدیث، پنج مورد اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی-بنیادی و تلمیحی در منظومه شرر شاهد مثال داشت.
- ۲- در بین اثرپذیری‌های پنج‌گانه، بیشترین اثرپذیری مربوط به اثرپذیری واژگانی و کمترین آن مربوط به الهامی-بنیادی است (ر. ک نمودار ۱).
- ۳- در اثرپذیری واژگانی بیشترین تعداد مربوط به وام‌گیری و کمترین به ترجمه مربوط است (ر. ک نمودار ۳).
- ۴- در اثرپذیری تلمیحی بیشترین مورد به حضرت سلیمان و بعد به حضرت یوسف مربوط است (ر ک نمودار ۶).
- ۵- به دلایل زیر این منظومه نمی‌تواند به اندازه سایر متون مثلاً متون عرفانی از قرآن و مخصوصاً حدیث اثرپذیر باشد:
الف- این منظومه یک اثر حماسی است.
ب - طبعاً به دلیل دور بودن هند از مرکز حکومت اسلامی، علوم قرآنی به میزان نواحی مرکزی گسترش نیافته بود.
ج- اطلاعات شاعر در باره قرآن و حدیث زیاد نبوده حتی در بیتی «ان المشرکین نجس» را آیه‌ای از مصحف نقل کرده که در قرآن نیست (البته اگر منظور از مصحف همان قرآن باشد).
۶- توجه شاعر بسیار معطوف قرآن است و رویکرد به حدیث کمتر در اشعارش تجلی یافته است. حاصل کلام این‌که شرر شاعر قرن دوازدهم در شهنامه‌اش از آیات قرآن و احادیث استفاده کرده است. استفاده از این آیات، شعرش را زیباتر، ماندنی‌تر و صمیمی‌تر کرده است. توجه شاعر بسیار بیشتر معطوف آیات قران است تا احادیث.

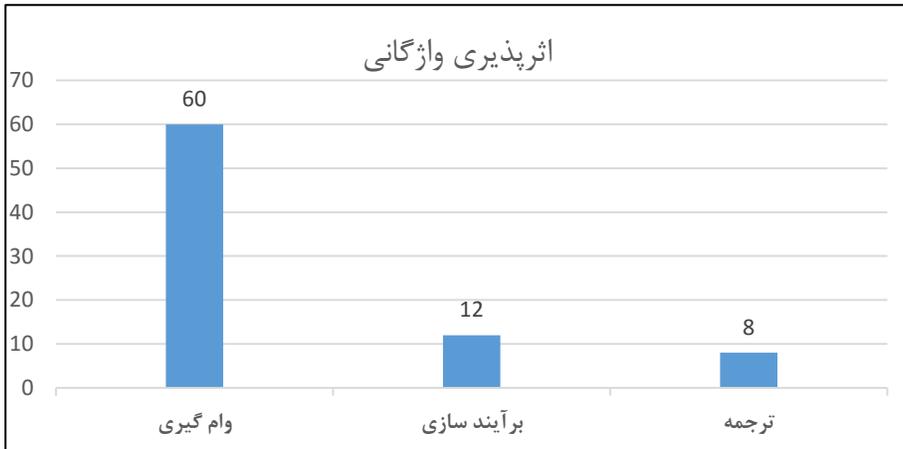
نمودارها



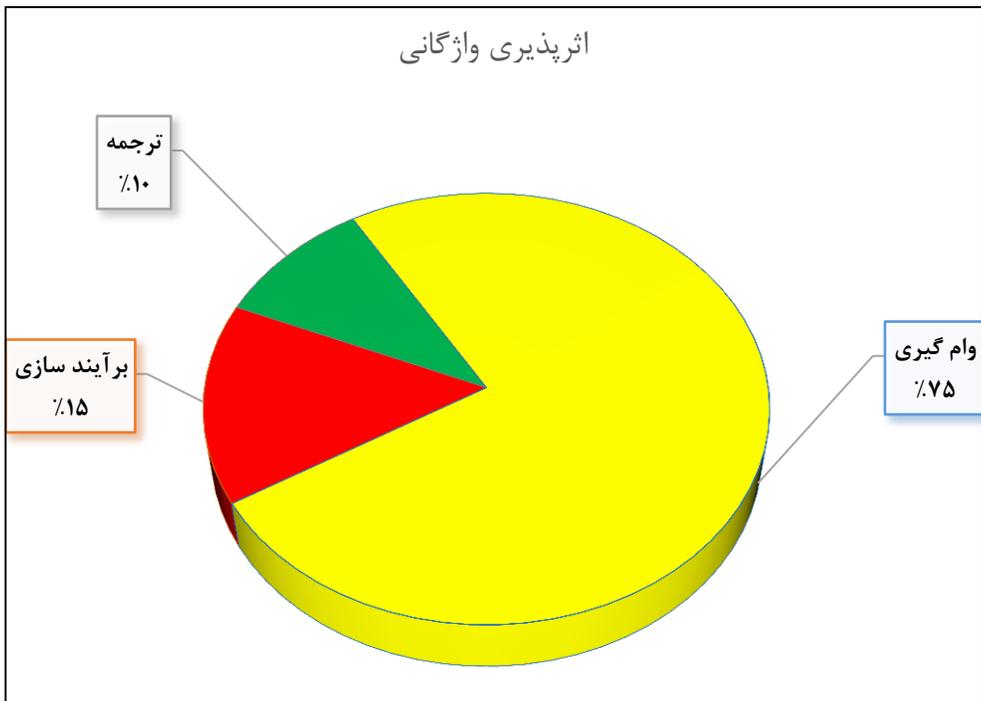
نمودار ۱: نمودار اثرپذیری بر اساس تعداد



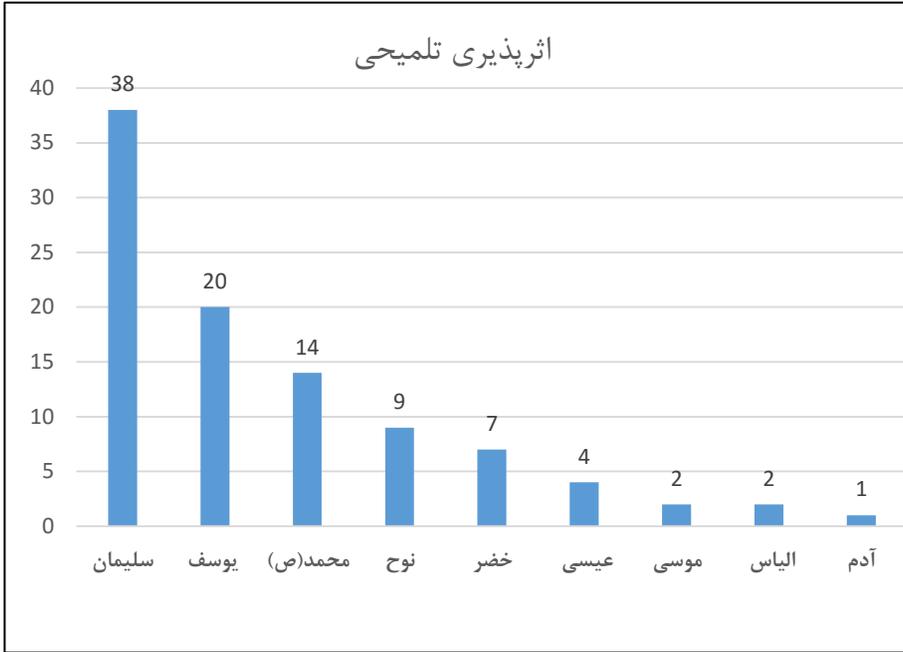
نمودار ۲: نمودار اثرپذیری بر اساس درصد



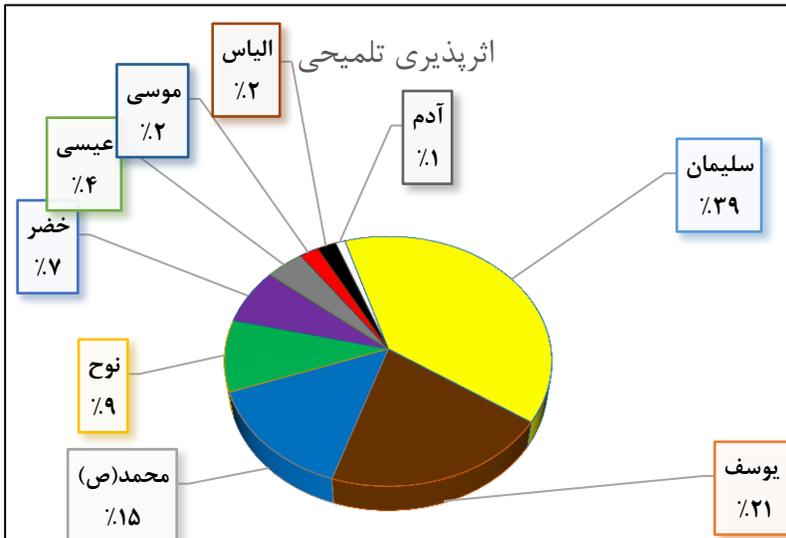
نمودار ۳: نمودار اثرپذیری واژگانی بر اساس تعداد



نمودار ۴: نمودار اثرپذیری واژگانی بر اساس درصد



نمودار ۵: نمودار اثرپذیری تلمیحی بر اساس تعداد



نمودار ۶: نمودار اثرپذیری تلمیحی بر اساس درصد

منابع

– القرآن الکریم.

- ۱- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۲- جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۸)، در دلو آفتاب (گفتاری در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی) تهران، دادگستر.
- ۳- جهان‌شاهی افشار، علی (۱۳۹۵)، «تجلی قرآن کریم در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی قرآنی» سال چهارم، شماره چهارم (زمستان ۱۳۹۵).
- ۴- حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۷۲)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران، اساطیر.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ دوم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۶- دهقانی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، تصحیح مثنوی شهنامه شرر، پایان‌نامه دکتری.
- ۷- راستگو، سید محمد، (۱۳۸۰)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، سمت.
- ۸- رامپوری، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف (۱۳۶۳)، غیاث‌اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر.
- ۹- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، سبک‌شناسی شعر، تهران: نشر میترا.
- ۱۰- شرر، شهنامه، نسخه خطی شماره ۲۶۱۲، قم: کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی.
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۴۰۹ ق، موسسه الوفاء، بیروت.
- ۱۳- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، هما.

Reflection of Themes of the Qur'an and Hadith in *Shahnameh Sharar*, A Newly-found 12-Century Work¹

Hamidreza Dehghanipour²

Ahmadreza Yalmehha³

Abstract

The influence of the Qur'an and hadith on Persian language and literature began from the beginning of Islam's entrance to Iran, and the Iranian poets have highly benefited from the invaluable treasure of the Qur'an and hadith. One of the poetry collections influenced by the Qur'an and hadith is the Masnavi of *Shahnameh*, written by an obscure poet known as *Sharar*. We know only about him that he was from Bukhara and immigrated to India. His book is about the wars of Mohammad Shah. This work, composed in the twelfth century, is stored in the library of Ayatollah Golpayegani in Qom, under the classification number 2612. This research aims to study the effect of the Qur'an and hadith on *Shahnameh Sharar*. After mentioning the poet's life and attitudes, his ways of using the Qur'an and hadith are discussed. One of the most prominent stylistic features of this book is the abundance reference of the author to Qur'anic ayahs. The poet has skillfully used these ayahs in various ways, which includes the lexical influence by using the rhetorical device of *tazmin* in the form of borrowing, translation, and innovation. The statistical analysis of these verses shows that the poet in his religious-epic Masnavi has, more than anything else, paid attention to the ayahs which refer to a narrative of the stories of the lives of the prophets. The findings also show that this poetry collection is influenced by the Qur'an and hadith and the dominant effect is visible in terms of lexical influence.

Keywords: the Qur'an, hadith, influence, *Shahnameh Sharar*

-
1. Date Received: February 21, 2020; Date Accepted: July 26, 2020
 2. Corresponding Author: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Dehaghan; Email: dehghanipour@yahoo.com
 3. Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Dehaghan; Email: Ayalameha@gmail.com